

مددڪاري اجتماعي (1)

(ڪار با فرد)

دانشگاه علمي ڪاربردي (سازمان زندانها)

تحت نظر استاد گرامي:

جناب آقاي دڪتر غلامرضا اطمينان

تهيه و تنظيم:

سميه خيامي (دانشجوي رشته مددڪاري اجتماعي)

سال 1391



فصل اول

تاریخچه مددکاری اجتماعی

مددکاری در ادیان و مذاهب قبل از اسلام

مددکاری در تعالیم زرتشت

مددکاری در دین یهود

مددکاری در دین مسیحیت

مددکاری اجتماعی در دین مبین اسلام

تاریخچه مددکاری اجتماعی امروزی در جهان

در خصوص تاریخچه مددکاری اجتماعی حرفه ای که بصورت قانونی و علمی شروع شده باشد، بیشتر اندیشمندان و صاحب نظران، انگلستان را نخستین کشوری می شناسند که اقدامات اولیه را برای سروسامان دادن یا شکل دادن به خدمات اجتماعی انجام داده است. از دلایل آن هم می توان به نقش کلیسا در حمایت از گروههای نیازمند و فقیر اشاره کرد. این حمایت ها تا اواخر قرن 15 ادامه پیدا کرده بود تا اینکه شیوع بیماری طاعون موجب از بین رفتن 25% از مردم آن کشور و افزایش شمار بیکاران و ولگردان و گدایان و نیز مهاجرت روستاییان به شهرها شد. بدین سبب، دولت انگلیس قانون معروف به ((قانون فقرای الیزابت)) را تصویب کرد. برخی از منابع سال تصویب این قانون را 1598 و برخی دیگر 1601 می دانند.

بر اساس این قانون، افراد نیازمند حمایت بر سه گروه قرار می
گرفتند:

1. بیکاران سالم یعنی آنهایی که قابل استخدام بودند ولی به علت بیکاری
از راه تکدی گری زندگی می کردند.

2. معلولان، گکهن سالان، بیماران و کسانی که توانایی کار کردن
نداشتند، یعنی در واقع متکدیانی که قابل استخدام نبودند؛

3. افراد بی سرپرست زیر 18 سال.

از اندیشه هایی که در ایجاد و توسعه مددکاری اجتماعی موثر واقع شد

چند نمونه می آوریم:

کاتلین وودروف در کتاب از خیریه تا مددکاری مدافع این دیدگاه بوده که کمک مستقیم دولتی از یک طرف شخصیت کمک گیرنده را تخریب می کند و از طرف دیگر باعث افزایش تعداد فقرا می شود.

چارلز رونیگ بریس برای رهایی نوجوانان ولگرد از آسیب های اجتماعی در شهرهای بزرگ آمریکا پیشنهاد تاسیس انجمن های ویژه ای را کرد که به کمک آنها کودکان و نوجوانان از محل های ناسالم نیویورک به خانه های روستایی منتقل شوند تا بتوانند همانند عضوی از خانواده تربیت شوند.

مری ریچموند، که ذکر او گذشت، در کتاب تشخیص بیماریهای اجتماعی در سال 1917 نخستین بار فرایند مددکاری اجتماعی را بطور نظام مند و بر حسب یافته های واقعی و مراحل تشخیص، طرح ریزی و درمان تشریح و بر مشارکت همه جانبه مددجو تاکید کرد.

سرویلیام بوریج، دانشمند و اقتصاد دان انگلیسی که معتقد بود از راه برقراری تعاون ملی و بیمه های اجتماعی، عدالت اجتماعی محقق می شود، طراح و پایه گذار رفاه اجتماعی مدرن در انگلیس شد که بر سه اصل متکی بود: گسترش بهداشت، تامین اشتغال، کامل، پرداخت کمک هزینه

متفکري به نام سيدر در خصوص سير مددکاري در آمريکا به 5 دوره :اشاره دارد

دوره اول، ايجاد مؤسسات و مراکز عرضه کننده خدمات اجتماعي اوليه به مراجعان

دوره دوم، متمرکز شدن هيآتهاي رفاه عمومي و صندوق هاي خيريه در امور مربوط
به خدمات اجتماعي

دوره سوم، رسميت تدريجي مؤسسات خدمات اجتماعي و منطبق شدن آنها با نيازهاي
اجتماعي

دوره چهارم، گرايش به تحليل ريشه هاي مربوط به علل مسايل اجتماعي

دوره پنجم، تخصصي شدن و تمرکز خدمات اجتماعي سازمان يافته مطابق با هدفهاي
توسعه جامعه

تاریخچه مددکاری اجتماعی در ایران

در ایران، از گذشته دور مردم با تاسی از پیشوایان دین اسلام رسیدگی به نیازمندان، ایتم و در راه ماندگان را سرلوحه کار خود قرار داده اند و پرداختهایی مثل خمس و زکات و وقف را در این راه را هزینه می کردند.

دکتر محسن قندی در کتاب خود به شرح واقعه ای در این زمینه می پردازد که با اندکی تغییر در پی می آید: ((در سال 1326 ه. ش (1947 م) در روستای عزآباد، 36 کیلومتری یزد، از شکاف دیواری، وقفنامه ای به زبان عربی مربوط به قرن 7 هجری کشف شد که 15 سال بعد، در سال 1341، در 209 صفحه در تهران به نام ((جامع الخیرات)) انتشار یافت. واقف این وقف نامه سید رکن الدین محمد از بزرگان یزد بوده است. سید رکن الدین شرح وظایف، چگونگی رسیدگی و کمک های اساسی و جزء جزء امور بیماران، و سایر مستمندان را در جامع الخیرات یاد کرده است. برای نمونه در یک مورد شرح می دهد که اگر کوزه آب ((کودکان سقا)) که در رهگذرها آب می فرخته و یا به مردم به منازل آنان می برده اند و دستمزد می گرفته اند، بشکند، از وجه خاصی باید برای آنها کوزه تهیه کنند، تا کودکان بینوا، بر اثر تهیدستی، دست از کوشش بر ندارند، و به گدایی و ولگردی روی نیاورند)).

از مدارس و آموزشگاه‌های تربیت‌کننده کارشناس مددکاری :نام چند مرکز را می‌آوریم

آموزشگاه عالی مددکاری یاخچی آباد وابسته به سازمان زنان سابق، آموزشگاه عالی آموزشی یاری مدرسه عالی شمیران. دو مورد اول ابتدا در آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی و سپس با آموزشگاه سوم در دانشگاه علامه طباطبایی تهران ادغام شدند.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 در سازمان‌های خدمات اجتماعی و نهادهای آموزشی مددکاری اجتماعی تحولات عظیمی رخ داد که از آن جمله ادغام همه این موسسات در دانشگاه علامه طباطبایی بود.

خلاصه:

1. دستگیری از نیازمندان و افراد بی سرپرست از زمان خلقت انسان تا کنون مرسوم بوده است.
2. مطالعه در مذاهب قبل از تاریخ نشان می دهد که توجه به سلامت و رفاه مردم در گذشته نیز مد نظر بوده است.
3. بودا برای پیروان معمولی اش پنج ممنوعیت مقرر کرده بود: قتل، زنا، سرقت، دروغ و نوشیدن مشروبات الکلی.
4. کنفوسیوس معتقد بود که حکام باید احتیاجات عمومی خلق را فراهم کنند.
5. در تمدنهای بابل و سومر، در خصوص حمایت زنان سرپرست خانوار و کودکان قوانینی وجود داشت.
6. طبق تعالیم دین زرتشت، کسی که فقیری را نجات دهد، اهورا را پادشاه می سازد.

7. در دین یهود آموختن نیکوکاری، رهایی دادن مظلومان و دادرسی یتیمان و بیوه زنان توصیه شده بود.

8. در مسیحیت نیز بر کار خیر تاکید شده بود و حتی افرادی که در دیرها زندگی می کردند باید اوقات خود را صرف خدمات اجتماعی و دستگیری از فقرا و یتیمان می کردند.

9. نیکوکار در دین اسلام دارای خود را در راه دوستی خدا به خویشاوندان، یتیمان، فقرا، رهگذران و سائلان می بخشد.

10. حفظ همت و شخصیت افرادی که از نیکوکاری و خدمت دیگران برخوردار می شود در دین اسلام لازم شمرده شده است.

11. با تصویب (قانون فقرای الیزابت) در انگلستان در سال 1601، حمایت از افراد نیازمند جنبه قانونی گرفت و سپس در سایر کشورها قوانین مشابهی تصویب شد.

12. در ایران آموزش مددکاران اجتماعی متخصص از سال 1337 آغاز شد.

فصل دوم:

کلیات (تعاریف، روشها و ارزشها)

تعریف مددکاری اجتماعی

دکتر قندی در کتاب مددکاری اجتماعی، این حرفه را چنین تعریف کرده است: ((مددکاری اجتماعی یک خدمت حرفه ای است که بر دانش و مهارتهای خاصی قرار گرفته است. هدف از آن کمک به افراد، گروهها یا جامعه است تا بتوانند استقلال شخصی، اجتماعی و رضایت خاطر فردی و اجتماعی را بدست آورند)).

پرلن من ضمن اینکه معتقد است مددکاری اجتماعی رویدادی زنده است و به این دلیل نمی توان آن را به تعریفی ساده محدود کرد، این تعریف را ارائه می کند: ((مددکاری اجتماعی فعالیت و شیوه ای است که برخی از موسسات رفاهی آن را به مراجعان خود عرضه می دارند و به آنان یاری می دهند تا با کارایی بیشتری مشکلاتی که در انجام دادن کار و وظایف اجتماعی خود {با آن} روبه رو شده اند مقابله کنند)).

خدمت حرفه اي است مبتني بر دانش علمي و مهارت در روابط انساني.

اين خدمت، به افراد بطور انفرادي يا گروهي كمك مي كند تا بتوانند

استقلال مالي و نيازهاي شخصي خود را بدست آورند كه اين امور

معمولا از سوي مددكاران اجتماعي و سازمانهاي مشابه آن اعمال

مي شوند)). مري دابليو. مافت و خوزه بي. اشفورد در كتاب خود

چهار تعريف ارائه کرده اند كه به ترتيب آنها را ذكر مي كنيم:

تعریف اول: ((مددکاری اجتماعی کارکرد اجتماعی افراد خواه بصورت فردی یا گروهی افزایش می دهد.برای این منظور فعالیت های خود را در روابط اجتماعی آنها که موجب شکل گیری کنش های متقابل افراد و محیط می گردد،متمرکز می سازد.این فعالیت ها در سه زمینه ظاهر می گردد: ترمیم و اصلاح قابلیت های مختل شده،تامین منابع و امکانات اجتماعی و فردی و پیش گیری از کژکارکردهای اجتماعی)).

تعریف دوم: ((مددکاری اجتماعی فعالیتی تخصصی است مبتنی بر یاری رساندن به افراد گروهها یا جوامع به منظور فراهم آوردن یا اصلاح قابلیت های آنها جهت کارکردهای اجتماعی و ایجاد شرایط مساعد به منظور دستیابی به هدف تعیین شده)).

تعریف سوم: ((مددکاری اجتماعی فرایندی است برای تغییر برنامه ریزی شده و هدف دار)).

تعریف چهارم: ((مددکاری اجتماعی به کنش های متقابل افراد و آن دسته از نهادهای اجتماعی که بر قابلیت آنها در انجام وظایف زندگی، خواسته ها و ارزشها تاثیر گذاشته و فشارها را تخفیف می دهد، توجه دارد و به آنها می پردازد. این کنشهای بین افراد و نهادهای اجتماعی در درون بافت رفاهی اجتماعی بزرگتر پدید می آید)).

در مطالب فوق چند نکته اساسی وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود:

1. مددکاری اجتماعی حرفه است؛ یعنی بخشی از اطلاعات آن را هنگام کار و اجرا (با تجربه کردن) می‌توان آموخت.

2. مددکاری اجتماعی مبتنی بر دانش است؛ به این معنا که باید بخش عمده‌ای از دانش مربوط به این حرفه را از طریق آموزش فرا گرفت. مددکاری اجتماعی باید دو دسته از دانشها را به طور نظری فرا گیرد:

الف) اطلاعات خاص حرفه مددکاری (که معمولاً در دانشگاهها تدریس می‌شود)؛

ب) اطلاعات عمومی از علوم و دانشهای دیگر از جمله روانشناسی، روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، حقوق، مشاوره و مردم‌شناسی، مددکاری اجتماعی به همین دلیل بین رشته‌ای است. در واقع، آگاهی عمومی مددکار اجتماعی از رشته‌های دیگر علوم او را در خدمت‌رسانی بهتر یاری می‌دهد، خواه از طریق افزایش مهارت او در برطرف کردن مشکل مراجع باشد یا ارجاع درست مراجع به متخصص مربوط

3. مددکاری اجتماعی بر اصلهایی استوار است. این اصول ششگانه، که در بسیاری از رشته های دیگر نیز مطرح است، عبارت است از: پذیرش، فردیت، رازداری حرفه ای، رابطه حرفه ای، شرکت دادن، مراجع در فعالیتهای و خودآگاهی مددکار اجتماعی.

4. مددکاری اجتماعی مبتنی بر مهارت است مددکاری اجتماعی در مقام فردی متخصص، برای جمع آوری اطلاعات، تشخیص مشکلات یا نیازها و ... باید مهارتهای خاصی داشته باشد که از جمله آنها می توان به مهارت در مصاحبه، مشاهده، خوب گوش دادن و بازدید از منزل اشاره کرد.

5. مددکاری اجتماعی روشهایی دارد؛ یعنی مددکاری اجتماعی در عرضه خدمات می تواند از سه روش مددکاری فردی، گروه و یا جامعه ای بصورت تلفیقی و کلی استفاده کند.

6. مددکاری اجتماعی هدف دارد. مددکار از رعایت اصل رازداری، ایجاد رابطه حرفه ای، فراهم کردن زمینه مشارکت مراجعان در فعالیت ها، خود آگاهی و ... اهدافی را پیگیری می کند.

7. مددکاری اجتماعی کمک کننده است؛ به همین معنا که برای حل مشکلی یا رفع نیاز مراجعان خود به تنهایی همه کارها را انجام می دهد، بلکه در کنار آنان قرار می گیرد.

8. در مددکاری اجتماعی، گروه هدف وجود دارد. در این حرفه سه گروه هدف تعیین شده اند:

الف) فردی یعنی فردی که مشکل یا نیاز دارد؛ مثل معتاد، زندانی، دانش آموز و یا افراد دیگر. البته در مددکاری، خانواده افراد دچار مشکل نیز در این گروه قرار می گیرند.

ب) گروهی یعنی گروهی از افراد که دچار مشکل مشترک هستند؛ مانند گروه افراد دچار مشکل ایدز، اعتیاد یا طلاق.

ج) جامعه. گاهی، خدمات مددکاری اجتماعی به کل جامعه و بیش تر از اعضای گروه (که معمولاً بین 12 تا 15 نفرند) عرضه می شود؛ مثلاً عرضه خدمات پیش گیری برای دانش آموزان منطقه یا محله ای که اعتیاد در آنجا رواج زیادی دارد یا پیگیری برای ساخت کتابخانه، سالن ورزش و دیگر امکانات فرهنگی در يك منطقه یا محله.

9. در مددکاری اجتماعی تکیه بر تواناییها و امکانات موجود است. وظیفه مددکار اجتماعی این است که در کار با گروههای هدف اعم از فرد، گروه یا جامعه، آنها را با تواناییها و استعدادهاي خود و منابع موجود در جامعه آشنا کند تا از این تواناییها برای حل مشکلات یا رفع نیازها استفاده کنند و در انجام دادن امور وابسته به مددکار اجتماعی نباشند.

10. مددکاری اجتماعی با گروههای هدف دچار مشکل و یا نیازمند سروکار دارد؛ یعنی هم گروههایی که مشکل دارند (مثل زن سرپرست خانوار) می توانند از خدمات مددکاری اجتماعی استفاده کنند، هم کسانی که ممکن است مشکلی نداشته باشند، اما نیازهایی را احساس می کنند (مثل فردی که برای آشنایی با شیوه همسر داری به مددکار اجتماعی مراجعه می کند).

11. در مددکاری اجتماعی، دستیابی به استقلال نسبی مهم است؛ یعنی اینکه وظیفه مددکار اجتماعی این است که با استفاده از تواناییهای گروه هدف و منابع موجود در جامعه زمینه ایجاد استقلال نسبی آنان را فراهم کند تا بتوانند بدون نیاز به حمایت و کمک مستمر یگران به زندگی سالم خود ادامه دهند و به اصطلاح ((سربار)) نباشند. البته، برای کسانی که فقط به علت رفع نیاز از خدمات مددکاری اجتماعی استفاده می کنند، کسب رضایت خاطر مهم است چون ممکن است استقلال نسبی داشته باشند.

رفاه اجتماعي (وارتباط آن با مددکاري اجتماعي)

((رفاه اجتماعي عبارت است از سيستم و نظامي از خدمات يا موسسه ها و يا نهادهاي اجتماعي که به منظور خدمت و کمک به افراد به وجود آمده است تا سلامت، زندگي بهتر و موجبات روابط مناسب تري را براي پيشرفت استعدادها، قابليت ها، ظرفيتها و تواناييهاي انسانها به منظور رفاه آنها فراهم کند)).

((رفاه اجتماعي نتیجه فعالیتهاي است که نهادهاي اجتماعي براي دستیابی افراد و گروهها و جوامع به سطح قابل قبولي از زندگی، تندرستی و فرصتهاي که اجازه مي دهد آنان تمامی استعدادهاي خود را پرورش دهند و مسائل خود را در سازگاري با جامعه حل نمایند، عرضه مي دارد)).

هري ام. کسیدی:

((رفاه اجتماعي عبارت است از فعالیتهاي سازمان یافته که مستقیماً به حفظ نگهداري و بهبود منابع مربوط است و شامل خدمات اجتماعي نظیر کمكهاي اجتماعي، بیمه هاي اجتماعي، رفاه کودک، بهداشت و روان، آموزش و پرورش، تفریح و گذرانیدن اوقات فراغت، حمایت از نیروي کار و حل مشکلات مسکن است)).

: تعاریف جامع تر

((رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیتهایی است که نیازهای فردی (جسمی و روانی) و اجتماعی احاد جامعه را در حد قابل قبولی تامین کرده و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد)).

با توجه به تعاریف ارائه شده می توان گفت که رفاه اجتماعی يك مفهوم عام است و سازمان یا دستگاه خاصی متولی آن نیست و نخواهد بود؛ زیرا عملکرد رضایت بخش و قوی دستگاهها و نهادها و یا به عبارت دیگر نظام (حکومت یا دولت) می تواند آن را در جامعه گسترش دهد.

تامین اجتماعی (ارتباط آن با مددکاری اجتماعی)

ویلیام بوریج

اصلاح تامین اجتماعی بیانگر درآمدی است که به هنگام قطع درآمد به علی از قبیل بی کاری، بیماری یا حادثه جایگزین آن می شود و هم چنین تامین درآمد برای کسانی که به علت پیری بازنشسته شده اند و نیز کسانی که به سبب مرگ شخصی (سرپرست خانوار) از حمایت محروم مانده اند.

تعریف دیگر، تامین اجتماعی را بخشی از رفاه اجتماعی در نظر می
گیرد ((تامین اجتماعی یکی از قلمروهای رفاه اجتماعی است و آن
عبارت است از مجموعه برنامه هایی که طبق مقررات دولتی و
عمدتاً از طریق خدمات بیمه ای، از افراد در برابر کاهش درآمد
محافظت می کند و به آنها در مورد برخی هزینه های خاص
(ازدواج، بیماری، تولد، مرگ و ...) و به روز بحرانهای اقتصادی
امنیت خاطر می بخشد)).

با توجه به این تعریف می توان گفت که تامین اجتماعی خاص
تر از رفاه اجتماعی است.

اما اگر بخواهیم تامین اجتماعی را به مفهوم عام در نظر بگیریم که در

اصل 29 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده، تامین اجتماعی

مترادف رفاه اجتماعی است و خاص تر از آن نیست: (فراهم کرم

کلیه ضروریات زندگی برای تمامی اقشار جامعه است به نوعی که

تامین کننده نیازهای مادی و معنوی انسانها در حد متعارف باشد).

خدمات اجتماعي (وارتباط آن با مددکاري اجتماعي)

خدمات اجتماعي نیز از جمله مفاهيمي است که براي آن تعريفهاي مختلفي وجود دارد.

((منظور از خدمات اجتماعي، برنامه هايي است که بوسيله جامعه براي مبارزه با مسائل و مشکلات زندگي از قبيل بيماري، بیکاري، گرفتاريهاي دوران پيري، حوادث و موانع صنعتي و ساير گرفتاريهايي که از فرد نمي توان انتظار حمايت از خويشتن و يا خانواده را داشت، بوجود آمده است. اين هدف کلي که منظور از آن حمايت اجتماعي است از راههاي مختلف، چون کمک هاي دولتي، بيمه هاي اجتماعي، برنامه هاي پيگيري از بيماري و برنامه هاي رفاه اجتماعي تا مين مي گردد)).

در این تعریف، تامین اجتماعی و خدمات اجتماعی یکسان فرض شده اند.

((خدمات اجتماعی یکی از قلمروهای رفاه اجتماعی است که شامل فعالیتهایی مثل مراقبت از کودکان و زنان در خطر، سالمندان، معلولان، بیماران روانی، بی خانمانها، آسیب دیدگان اجتماعی، مهاجران و پناهندگان می شود)).

اما در برخی منابع خدمات اجتماعی به دو نوع (عام و خاص) تقسیم شده است. که نوع عام آن مترادف رفاه اجتماعی است: (عبارت است از ارائه هر گونه خدمات مادی و معنوی به اقشار مختلف جامعه در جهت تامین نیازهای مشترک و عمومی آنها).

در تعریف نوع خاص خدمات اجتماعی، آن را خاص افراد دچار مشکل از قبیل سالمندان و معلولان در نظر گرفته اند: ((مفهوم خاص خدمات اجتماعی در رابطه با گروه‌های خاص اجتماعی معنی پیدا می‌کنند. منظور از گروه‌های خاص اجتماعی عبارت است از اقشاری از جامعه که به علل مختلف جسمانی، روانی، شخصیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی علاوه بر نیازهای مشترک با همه مردم، نیازهای ویژه‌ای دارند که ممکن است کوتاه مدت، میان مدت و یا دائمی باشد که از جمله آنها ایتم، خانواده‌های نیازمند، سالمندان، معلولین، آسیب دیدگان از حوادث و سوانح، پناهندگان، جانبازان، خانواده‌های شاهد، معتادین، بزهاران، متکدیان و ... هستند)).

مددکار اجتماعی

مددکار اجتماعی در وهله نخست شخصی است دارای تجرب زندگی، نیازهای بشري و روش زندگی شخصی و سیستم ارزشي، همچنین مددکاری شخصی کمک کننده است که دارای مهارت برای ارتباط با افراد و گروههای دیگر و توسعه روابط است.

به طور کلی تعریفی که می توان برای مددکار اجتماعی ارائه کرد چنین

است: مددکار اجتماعی فردی است حرفه ای که از علم و دانش و

مهارت لازم برخوردار باشد و ضمن رعایت اصول حرفه خود، به

افراد، گروهها و جامعه کمک کند تا با تکیه بر تواناییها و امکانات

موجود در جهت حل مشکلات یا رفع نیازهایشان گام بردار و از

این راه به استقلال نسبی یا رضایت خاطر برسد.

ویژگیهای مددکار اجتماعی

مددکار اجتماعی باید ویژگیهایی داشته باشد که در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

1. تمایل به انجام دادن کار خیر و داشتن حس نوع دوستی. از آنجا که بسیاری از مراجعان به مراکزی که خدمات مددکاری در آنجا عرضه می‌شد (مانند زندانها، دادگاهها، مراکز نیروی انتظامی، مراکز نگهداری بیماریهای روانی، مراکز درمان و بازپروری معتادان، مراکز بازپروری زنان آسیب دیده اجتماعی، مراکز نگهداری از کودکان بی سرپرست و بد سرپرست، مراکز خاص معلولین) مشکلات خاص و حادی دارند، افرادی که با این گروهها کار می‌کنند باید دغدغه خدمت و کمک کردن به آنها را داشته باشند تا بتوانند از کار خود لذت ببرند به بیان دیگر، مددکار اجتماعی باید دلی سرشار از عشق خدمات به مردم داشته باشد و به این شعر زیبا از سعدی معتقد باشد:

بني آدم اعضويك يڪ پڦيڪينش ز يڪ گوهرند

چو عڪو عيضبو هاردا اوماند رقرارگار

تو کز محنت نيشگرين کي پناختي نهند آدمي

2. داشتن علم که برای عرضه خدمات تخصصی بسیار ضروری است.

3. شناخت توانایی ها و کاستی ها، ارزشها و باورهای خود و دخالت ندادن

ارزشها در تصمیم گیری ویژگی دیگر مددکار اجتماعی است.

4. مسئولیت پذیری: مددکار اجتماعی در قبال مراجعان خود و کاری را که

پذیرفته مسئول است.

5. پایبندی به اصول اخلاقی. مددکار اجتماعی که پایبند به اصول اخلاقی نباشد

و شهرت خوبی در محل کار و جامعه نداشته باشد نمی تواند راهنمای

دیگران باشد.

6. صداقت.

7. داشتن توان مدیریت این ویژگی از این نظر مهم است که مددکار در فرایند کار باید مدیریت حل مشکل یا رفع نیاز را به عهده داشته باشد و طبق تعریف ساده مدیریت که ((انجام دادن کار توسط دیگران)) است فرایند مشکل گشایی را مدیریت و اداره کند.

8. آشنایی با اصول برنامه ریزی یکی از وظایف مدیر برنامه ریزی است. مددکار اجتماعی که مدیریت فرایند حل مشکل را بر عهده دارد باید بتواند با استفاده از اصول و مراحل برنامه ریزی با مراجعان خود کمک کند تا در زمان مناسب و بهترین شیوه مشکل خود را حل کنند یا کاهش دهند.

9. توانایی ایجاد ارتباط یکی از مهم ترین مهارتهای مددکاران اجتماعی ایجاد ارتباط است. این ارتباط هم با مراجعان و هم با سایر نهادها یا سازمانهاست.

11. مهربان بودن یکی از ویژگی‌های مددکار اجتماعی که در بدو ورود مراجعان بیشترین تاثیر را بر آنها می‌گذارد، نحوه برخورد مددکار اجتماعی با آنهاست. مددکاری که دلسرد و بی‌روح باشد در ایجاد ارتباط با مراجعان دچار مشکل خواهد شد.

12. شناخت گروه‌های هدف. مددکار اجتماعی باید گروه‌های هدف خود را به خوبی بشناسد و در واقع بر موضوع کار خود تسلط داشته باشد. این امر موجب می‌شود که اولاً در فرایند جمع‌آوری اطلاعات و مصاحبه با مراجعان پرسش‌های مرتبط را مطرح و اطلاعات بهتری جمع‌آوری کند؛ ثانیاً موجب می‌شود مراجعان (بدلیل تسلط مددکاران اجتماعی) به آنها اعتماد کند و قبولشان داشته باشند. به همین دلیل، مددکاران اجتماعی باید از نظر اطلاعات علمی و شناخت خدماتی که به گروه‌های هدف عرضه می‌شود همیشه به روز باشند.

13. شناخت فرهنگ گروه‌های هدف از دیگر ویژگی‌های مددکار اجتماعی است. رعایت آداب و رسوم و توجه به فرهنگ مردم هر منطقه که مددکار اجتماعی در آنجا کار می‌کند زمینه ایجاد ارتباط و اعتماد را فراهم می‌کند.

14. پیش‌دآوری نکردن.

15. توانایی کنترل احساسات برای مددکار اجتماعی بسیار ضروری است که بتواند احساسات خود را در مقابل مسائلی که بین او و مراجع اتفاق می‌افتد کنترل کند.

مراجعي که گريه کنان از مسایل زندگي خود و سختي هايي که تحمل کرده صحبت مي کند وقتي ببيند که مددکار اجتماعي نيز با او شروع به گريه مي کند به سختي مي پذيرد که مددکار اجتماعي مي تواند به او کمک کند؛ حتي گاهي به علت ضعف مددکار اجتماعي در کنترل احساسات خود جاي مددکار اجتماعي و مراجع عوض مي شود. همچنين اگر مددکار اجتماعي در قبال گفته هاي مراجع يا رفتار او در گذشته و حال شادي يا ناراحتي و عصبانيت بيش از حد نشان دهد، ممکن است رفتار ظاهري و تصنعی و اغراق آميز را در مراجع تقويت کند. و باعث شود که او از بيان مسایل واقعي پرهيز کند.

16. توجه به خود در کنار توجه به مراجع یکی از اشتباهات مددکاران

اجتماعی این است که در اثنای مددکاری، خود و خانواده خود را

فراموش می کنند و بیش از حد غرق کار می شوند. این کار ممکن

است خستگی و مشکلات زیادی برای آنها بوجود آورد. جدی بودن

در کار بسیار خوب است، اما نباید مشکل خاصی برای مددکار ایجاد

کند. مددکار اجتماعی شاداب و سر حال و با نشاط بیشتر و بهتر می

تواند به مردم خدمت کند.

بر امر در کتاب خود می گوید: ((مددکاران حرفه ای اتفاق نظر دارند که آنها، خود باید نمونه ای انسان عاقل، تکامل یافته و درست کردار باشند. آنها باید همان قدر که به دیگران توجه می کنند به خود نیز توجه کنند. جورارد و لندزم شخصیت سالم را برخوردار از احساساتی همچون شور و شغف، نشاط، مراقبت، قدرت ارتباط عمیق و در عین حال لذت بردن از لحظات تنهایی می دانند. اشخاصی که دارای چنین ویژگیهایی هستند تنها احساسات دیگران را درک می نمایند بلکه در جهت علاج درد و از بین بردن بی عدالتی ها نیز گام بر می دارند)).

17. اخلاص یعنی اینکه مددکار اجتماعی در قبال خدمتی که انجام می دهد نباید توقعی از مراجعان داشته باشد یا خدمت خود را وسیله ای برای جاه طلبی و ترقی خود قرار دهد. (نباید مراجعان را نردبان ترقی خود قرار دهد). او باید پاک نیت باشد و حفظ حیثیت مراجعان برایش مهم باشد.

18. توانایی تحقیق یکی از وظایف مهم مددکاران اجتماعی تحقیق و پژوهش متناسب با مشکلات یا نیازهای گروههای هدف است به همین دلیل آشنایی با روش تحقیق علمی و عملی برای مددکاران اجتماعی بسیار ضروری است.

مثال:

مددکار اجتماعی را در نظر بگیرید که در يك بیمارستان فعالیت می کند و مراجعان زیادی که سابقه اقدام به خودکشی دارند به آنجا مراجعه می کنند در این حالت، وهش بمنظور بررسی خصوصیات زیستی، روانی و اجتماعی آنان و عوامل موثر در اقدام به خودکشی بسیار مفید است تا بتوان بر اساس یافته های آن برنامه های پیشگیری از خودکشی را که مبتنی بر واقعیت باشد تدوین کرد. اگر این ویژگی در مددکاران اجتماعی وجود داشته باشد، در شناخت توانمندیهای این حرفه و کاربرد آنها تاثیر به سزایی خواهد داشت.

19. اعتماد به نفس بسیار.

20. خلاقیت. از آنجا که مراجعان به مددکار اجتماعی نیازهای متعددی دارند، مددکار باید برای کمک به آنها خلاقیت داشته باشد.

21. داشتن سلامت جسمی و روانی. در زمینه این ویژگی نظرهای متعددی وجود دارد. برخی از افراد معتقدند که مددکار اجتماعی باید از سلامت برخوردار باشد، یعنی فردی ناشنوا یا نابینا یا کسی که لکنت زبان دارد نمی تواند مددکار خوبی باشد؛ چون گوش کردن (بعنوان مهارت) یا خوب دیدن (مشاهده حرفه ای) و یا مصاحبه به گوش سالم، و چشم سالم و زبان سالم نیاز دارد. بعضی از افراد نیز این ویژگی را ضروری نمی دانند و به این ضرب المثل معروف استناد می کنند که: ((به دریا رفته می داند مصیبت طوفان را)).

هرچند داشتن سلامت جسمي براي مددكاري بودن مهم است، دليل بر اين نيست كه افراد دچار مشكل جسمي نتوانند مددكاران خوبي باشند؛ همان گونه كه همه افراد سالم كه در رشته مددكاري در دانشگاه فارق التحصيل مي شوند لزوماً مددكاران موفقي نيستند.

آنچه در اين قسمت بيان شد فقط بخشي از ويژگيهاي مددكاران اجتماعي بود. به ويژگيهاي ديگر در قسمت اصول مددكاري اجتماعي مي پردازيم.

مراجع (client)

امانوئل تروپ مراجع را فردي مي داند که کمکهاي حرفه اي را جست

و جو مي کند.شخصي که از کمک ديگري يا از خدمات و کمک يك

موسسه يا دفتر خدمات اجتماعي استفاده مي کند.

«مراجعي که يك موسسه رفاه اجتماعي مراجعه مي کند مانند هر انسان ديگري است که تا بحال شناخته ايم، اما تفاوتهايي نيز با ديگران دارد. در سطحی کلی او نظیر انسانهاي ديگر و شبیه به آنهاست، در سطحی محدود تر شباهت هايي به افراد هم سن یا همزمان و یا همفکر خود دارد. با این وجود، هر چه شناخت ما از او ژرف تر و درك ما زيادتر مي شود، در مي يابيم که انسان با اينکه همانندي ها و ويژگيهاي مشترکي با ساير انسانها دارد، خصوصيت هاي مخصوص به خود نيز دارد و همانقدر که اثر انگشت او يکتاست، شخصيتش هم داراي خصوصيات منحصر به فرد است.»

((شخصي که به عنوان مراجع به يك موسسه رفاه اجتماعي مراجعه مي کند بدون شك همواره تحت نوعي فشار قرار گرفته است. ماهيت مشكل هر چه باشد-يعني در اثر شكست يا فشار محيط يا كشمکش يا ستيز دروني يا سرخوردگي در ادامه يك نقش با ارزش اجتماعي يا موانعي که در راه هدفها يا او قرار گرفته اند و يا به هر علت ديگري که باشد-مراجع را تحت فشار قرار داده است. اين ناراحتي و فشار دو جانبه يا دو طرفه است: يکي آنکه مراجع خود مشكل را بعنوان يك تحديد احساس مي کند (يعني تنها درك مشكل نيست بلکه احساس آن نيز خود مسئله اي است)،

برخي مراجع را فردي مي دانند كه صرفا در پي دريافت كمك است.

الن پينكس

مراجع شخصي است كه در پي دريافت كمك يك مددكار اجتماعي است
و يا يك دفتر خدماتي كه كارمند آن يك مددكار اجتماعي است. زماني
كه مددجو در جست و جوي كمك نباشد، به نظر مي رسد كه يكي از
وظايف مددكار دخالت دادن مراجع در روابط مدد رسانی است كه
باعث مي شود مراجع دليل كمك هاي ارائه شده و معنا و مفهوم
استفاده از آن كمك يار د كردن آن را بشناسد.

:بنابراین، می توان گفت مراجع در مددکاری فردی

شامل کلیه افرادی است که بر اثر عوامل مختلف اجتماعی، روانی، اقتصادی، فرهنگی، فردی و ... قابلیت ها و توانایی هایشان کم شده یا اختلالاتی در آنها بوجود آمده است، به گونه ای که امکان ادامه زندگی مستقل برای آنان فراهم نیست و نیاز به حمایت و مداخله فرد متخصص برای حل یا کاهش مشکل دارند و یا نیازی دارند که رفع آن رضایت خاطرشان را فراهم می کند.

نکاتی چند در مورد مراجع

1. هر انسانی ممکن است مراجع باش؛ یعنی اینکه همیشه افرادی مشخص و ثابت مشکل ندارند، بلکه ممکن است هر کسی روزی دچار مشکل شود و نیاز به حمایت داشته باشد. پس می توان گفت مراجع ممکن است:

(الف) از هر گروه سنی باشد: پیر، جوان، کودک.

(ب) از هر گروه جنسی باشد: یعنی پسر یا دختر.

(ج) از هر قشری باشد: کارگر، کارمند، پرستار، پزشک و ...

(د) از هر گروه تحصیلی باشد: باسواد، بی سواد، کم سواد و دارای تحصیلات

عالی.

ه) از هر طبقه اي باشد: مرفه، فقير و متوسط

و) از هر منطقه اي باشد: شهر يا روستا

... ز) از هر قوم و نژادي باشد: لر، كرد، ترك، گيلك، مازندراني، بلوچ و

... ح) از هر دين و مذهبي باشد: مسلمان، مسيحي، شيعه، سني و

... ط) از هر مليتي باشد: ايراني، افغان، پاكستاني و

2. عوامل مختلفی ممکن است تاثیر گذار باشند تا فردي براي کمک گرفتن به مددکار اجتماعي مراجعه کند: عوامل اجتماعي، فردي، اقتصادي و ... بعضي افراد ممکن است تحت تاثیر يك عامل و بعضي ديگر تحت تاثیر چند عامل قرار گرفته باشند.

3. تاثیر عوامل مختلف اجتماعي بصورت کاهش قابليت ها و توانايي ها نمايان شده است؛ يعني اينکه در آن زمان و مقطع تواناييهاي مراجع کم شده است و اين بدان معنا نيست که نتواند آنها را افزايش داده و بهبود بخشد.

4. امکان ادامه زندگی مستقل بدون حمایت فرد متخصص فراهم نیست؛ یعنی مراجع در وضعی قرار دارد که برای رهایی از آن و برای ادامه زندگی عادی و سالم به حمایت فرد متخصص که همان مددکار اجتماعی است نیاز دارد تا بتواند به استقلال نسبی برسد.
5. مراجع ممکن است نیازی داشته باشد که برای رضایت خاطر خود در پی رفع آن باشد.

نحوه پذیرش مراجع

در مددکاری فردی مراجعان به چند شیوه به مراکز مختلف اعم از موسسه دولتی یا غیر دولتی مراجعه می کنند تا بتوانند از خدمات مددکاری اجتماعی استفاده کنند:

1. خود معرف: یعنی اینکه مراجع بدون هیچ گونه فشار یا نامه رسمی از طریق مراکز دیگر به موسسه مراجعه می کند.

مراجعان خود معرف به سه دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: افرادی هستند که خود از خدمات موسسات مطلع شده و مراجعه می کنند.

دسته دوم: افرادی هستند که از طریق دوستان، همسایگان و کسانی که قبلاً از خدمات موسسات استفاده کرده اند با خدمات مددکاری آشنا می شوند و مراجعه می کنند.

دسته سوم: افرادی هستند که از طریق موسسات دیگر، اعم از دولتی یا غیر دولتی، با خدمات مددکاری آشنا می شوند و مراجعه می کنند اما اجباری برای مراجعه ندارند.

2. ارجاعی. در این شیوه مراجع برای دریافت خدمات مددکاری اجتماعی به شیوه های مختلف به صورت رسمی به موسسات ارجاع می شود. این افراد از چند طریق ممکن است ارجاع داده شوند که بستگی به نوع مشکل آنها دارد:

الف) از طریق مراکز قضایی و انتظامی. مثلا زندانیها یا کودکان بی سرپرست و بد سرپرست که به مراکز شبانه روزی یا شیرخوارگاه معرفی می شوند یا زنان آسیب دیده اجتماعی که برای طی دوران بازپروری از طریق دادگاه ارجاع داده می شوند. در این شیوه، مراجع اختیاری برای رجوع نکردن ندارد.

ب) از طریق موسسات دیگر. این موسسات بسته به نوع مشکل مراجع می

توانند مراکز مشاوره، مراکز درمانی، مراکز آموزشی، مراکز

نظامی، کارخانجات، موسسات عرضه کننده خدمات رفاهی و

حمایتی، ادارات و ... باشند. مراجع به دلیل دریافت خدمات بهتر یا نبود

خدمات در موسسه اولیه به موسسات دیگر معرفی می شود.

مثال: کودکی که بعد از شیرخوارگی از مرکز شیرخوارگاه به مرکز دیگر

ارجاع داده می شود.

ب) از طریق موسسات دیگر. این موسسات بسته به نوع مشکل مراجع می توانند مراکز مشاوره، مراکز درمانی، مراکز آموزشی، مراکز نظامی، کارخانجات، موسسات عرضه کننده خدمات رفاهی و حمایتی، ادارات و ... باشند. مراجع به دلیل دریافت خدمات بهتر یا نبود خدمات در موسسه اولیه به موسسات دیگر معرفی می شود.

مثال: کودکی که بعد از شیرخوارگی از مرکز شیرخوارگاه به مرکز دیگر ارجاع داده می شود.

3. مراجعانی که حل مشکل دیگران منوط به حضور آنان در واحد مددکاری اجتماعی است؛ مثلاً دانش آموزی را در نظر بگیرید که دارای افت تحصیلی شدیدی شده است و مددکار اجتماعی به منظور بررسی دقیق علت افت تحصیلی با نظر موافق دانش آموز، از دوست یا برادر یا پدر یا مادر او برای صحبت دعوت می کنند. در این شرایط آنها نه برای حل مشکل خود بلکه بر حسب ضرورت به مددکار مراجعه کرده اند.

روشهاي مددكاري اجتماعي

براي عرضه خدمات مددكاري متناسب با گروههاي هدف روشهاي مختلفي وجود دارد. اين روشها در يك دسته بندي كلي به 2 گروه تقسيم مي شوند:

1. روشهاي مستقيم. منظور اين است كه مددكار اجتماعي به طور مستقيم و چهره به چهره با مراجع سرو كار دارد و خدمات مددكاري را به طور مستقيم عرضه مي كند اين روشها خود در 3 گروه قرار مي گيرند:

الف) مددكاري فردي يا كار با فرد: براي مددكاري فردي تعاريف متعددي ارائه شده است كه به برخي از آنها اشاره مي شود: لينتون بي. سوئفت در زمينه تعريف مددكاري فردي مي نويسد: ((مددكاري فردي عبارت است از هنر كمك كردن به فرد به منظور پيشرفت و توسعه استعدادهاي نهفته وي و استفاده از آنها براي حل مسايل و مشكلاتي كه وي در محيط اجتماعي خویش با آنها روبه رو مي شود)).

باورز در کتاب خود تعریف دیگری در این زمینه آورده است: ((مددکاری فردی هنری است که دانش و معلومات مربوط به علم و روابط انسانی و مهارت در ایجاد رابطه را بکار می برد تا استعدادهاي نهفته و مکنون افراد را برانگیزاند و منابع اجتماعی متناسب و مرتبط را به حرکت در آورد تا سازگاری بهتری بین مراجع و محیط وي ایجاد گردد)).

به طور کلی در مددکاری فردی، فرد یا خانواده مراجع محسوب می شوند.

ب) مددکاری گروهی یا کار با گروه در این روش، گروهی از افراد که مشکل مشترکی دارند مراجع محسوب می شوند. در تعریف این روش چنین آمده است ((مددکاری گروهی یکی از روشهای مددکاری است و هدف آن توانا کردن فرد و پیشرفت دادن نحوه انجام وظیفه و فونکسیون اجتماعی فرد است از طریق تجربه های آگاهانه و عمدي گروهی)).

در این روشها نیز مشکل یا نیاز ممکن است در زمینه های مختلف از جمله مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی باشد. مثل گروهی از والدین که مشکل آنها فرار از فرزندانشان است.

ج) مددکاری جامعه ای یا کار با جامعه. در این روش، مراجع فرد یا گروه مشخص نیست، بلکه مردم يك منطقه یا محله مراجع محسوب می شوند. مددکاری جامعه ای یکی از روشهای مددکاری است که در آن برای برطرف کردن نیاز یا مشکل مشترك بیشتر مردم يك منطقه یا محله، که بیش از اعضای يك گروه هستند، با استفاده از توان مردم و امکانات موجود در جامعه خدمات مددکاری را با بهره گیری از فنون برنامه ریزی اجتماعی منطقه ای و محلی به مردم عرضه می کنند.

در این روشها نیز مشکل یا نیاز ممکن است در زمینه های مختلف از جمله مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی باشد. مثل گروهی از والدین که مشکل آنها فرار از فرزندانشان است.

ج) مددکاری جامعه ای یا کار با جامعه. در این روش، مراجع فرد یا گروه مشخص نیست، بلکه مردم یک منطقه یا محله مراجع محسوب می شوند.

مددکاری جامعه ای یکی از روشهای مددکاری است که در آن برای برطرف کردن نیاز یا مشکل مشترک بیشتر مردم یک منطقه یا محله، که بیش از اعضای یک گروه هستند، با استفاده از توان مردم و امکانات موجود در جامعه خدمات مددکاری را با بهره گیری از فنون برنامه ریزی اجتماعی منطقه ای و محلی به مردم عرضه می کنند.

در این روشها نیز مشکل یا نیاز ممکن است در زمینه های مختلف از جمله مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی باشد. مثل گروهی از والدین که مشکل آنها فرار از فرزندانشان است.

ج) مددکاری جامعه ای یا کار با جامعه در این روش، مراجع فرد یا گروه مشخص نیست، بلکه مردم يك منطقه یا محله مراجع محسوب می شوند.

مددکاری جامعه ای یکی از روشهای مددکاری است که در آن برای برطرف کردن نیاز یا مشکل مشترك بیشتر مردم يك منطقه یا محله، که بیش از اعضای يك گروه هستند، با استفاده از توان مردم و امکانات موجود در جامعه خدمات مددکاری را با بهره گیری از فنون برنامه ریزی اجتماعی منطقه ای و محلی به مردم عرضه می کنند.

ب) تحقیقات اجتماعی در این روش، مددکار اجتماعی با پژوهش‌های مختلف به بهبود وضع مراجعان کمک می‌کند. برخی از تحقیقاتی که مددکاران اجتماعی می‌توانند انجام دهند عبارت است از:

- بررسی میزان رضایت مراجعان از خدمات.

- بررسی عوامل موثر در بروز مشکلاتی که مراجعان موسسه برای حل آنها به مددکار اجتماعی یا موسسه مراجعه می‌کنند.

مثال اول: مددکاری اجتماعی را در نظر بگیرید که در یک مرکز درمانی کار می‌کنند و تعداد زیادی از جوانان به علت ضرب و جرح به آنجا مراجعه می‌کنند.

ب) تحقیقات اجتماعی در این روش، مددکار اجتماعی با پژوهش‌های مختلف به بهبود وضع مراجعان کمک می‌کند. برخی از تحقیقاتی که مددکاران اجتماعی می‌توانند انجام دهند عبارت است از:

- بررسی میزان رضایت مراجعان از خدمات.

- بررسی عوامل موثر در بروز مشکلاتی که مراجعان موسسه برای حل آنها به مددکار اجتماعی یا موسسه مراجعه می‌کنند.

مثال اول: مددکاری اجتماعی را در نظر بگیرید که در یک مرکز درمانی کار می‌کنند و تعداد زیادی از جوانان به علت ضرب و جرح به آنجا مراجعه می‌کنند.

ب) تحقیقات اجتماعی در این روش، مددکار اجتماعی با پژوهش‌های مختلف به بهبود وضع مراجعان کمک می‌کند. برخی از تحقیقاتی که مددکاران اجتماعی می‌توانند انجام دهند عبارت است از:

- بررسی میزان رضایت مراجعان از خدمات.

- بررسی عوامل موثر در بروز مشکلاتی که مراجعان موسسه برای حل آنها به مددکار اجتماعی یا موسسه مراجعه می‌کنند.

مثال اول: مددکاری اجتماعی را در نظر بگیرید که در یک مرکز درمانی کار می‌کنند و تعداد زیادی از جوانان به علت ضرب و جرح به آنجا مراجعه می‌کنند.

- در يك مركز سالمندان ، پژوهش درباره علل سپردن سالمندان به مركز يا بررسي چگونگي استفاده از اطلاعات و تجربه سالمندان در آموزش کودکان و ... مفيد به نظر مي رسد.

ذکر این نکته ضروري است که انتخاب موضوعات پژوهش بر اساس گروههاي هدف و شرايط موسسات متفاوت است و آنچه تا کنون ذکر شد فقط نمونه هايي از آنها بود.

ج) اقدام اجتماعي. يکي از روشهاي غير مستقيم مددکاري ((اقدام اجتماعي)) است. منظور از آن اين است که مددکار اجتماعي يافته هاي خود را که درباره مشکلات يا نيازهاي گروههاي هدف است از طريق تصويب قوانين، تدوين برنامه هاي اجرايي در سطح کلان جامعه و ايجاد تسهيلات جديد به آنها ارائه کند.

نکاتی که در پایان قسمت روشهای مددکاری باید به آنها اشاره کرد عبارتند: (نکاتی
چند در مورد روش های مددکاری)

1. مددکاری اجتماعی حرفه ای علاوه بر کار فردی، در صورت مناسب بودن شرایط می تواند از روشهای دیگر از جمله گروهی و جامعه ای نیز بهره گیرد و لزوماً نباید از یک روش برای عرضه خدمات استفاده کند؛ مانند مددکار اجتماعی یک موسسه آموزشی کودکان استثنایی که علاوه بر عرضه خدمات فردی به دانش آموزان، تشکیل گروه نیز می دهد و هم زمان با توجه به شناختی که از این موضوع بدست آورده است در جهت پیش گیری از معلولیتها اقدام می کند یا آنکه برای تدوین برنامه پیش گیری از معلولیت ها سازمانهای مسئول را به یاری می طلبد.

2. مددکار اجتماعی حرفه ای در کنار استفاده از روشهای مستقیم مددکاری اجتماعی می تواند از روشهای غیر مستقیم نیز استفاده کند؛ برای مثال، در حین عرضه خدمات فردی یا گروهی، تحقیق نیز

ارزشهای اساسی در مددکاری اجتماعی

از آنجا که در قسمت ویژگیهای مددکار اجتماعی و اصول مددکاری به بخش بزرگی از این ارزشها اشاره شده است، در این قسمت به برخی از ارزشها و صفات کلی اشاره می شود:

1. توجه به شان و منزلت و کرامت مراجعان؛

2. توجه به فرد، خانواده و جامعه، نه فقط فرد (در سطوح مختلف عرضه خدمات)؛

3. توجه به سه سطح پیش گیری عبارت است از :

- سطح يك: آگاه سازی و اطلاع رسانی؛

- سطح دو: عرضه خدمات به افراد مشمول؛

سطح سه: توانمندسازی، قادر سازی و توانبخشی؛

4. توجه به ابعاد زیستی-روانی-اجتماعی مراجعان،
5. بهره گیری از امکانات موجود در خانواده و جامعه و ایجاد ارتباط با آنها (امکانات جامعه ممکن است دولتی یا غیر دولتی باشد)؛
6. توجه جدی به مشارکت مراجعان در فرایند کار؛
7. توجه به انجام دادن کار گروهی در مددکاری اجتماعی، چون مددکار اجتماعی همه اطلاعات لازم را برای تشخیص درمان و سایر اقدامات ندارد؛
8. ارتقاء سطح آگهی علمی خود به منظور به روز شدن؛
9. توجه جدی به آموزش مراجعان بعنوان کلیدی ترین واژه) در صورتی که شرایط بهره مندی از آموزش را داشته باشند). این آموزشها ممکن است شامل مواردی باشد که در پی می آید:

الف) آموزش رسمی در مدارس روزانه و شبانه و دیگر آموزشگاههای رسمی یا آموزش از طریق نهضت سواد آموزی؛

ب) آموزش مهارتهای زندگی و مقابله با مشکلات و پیش گیری از آسیب های اجتماعی؛

ج) آموزش مهارتهای فنی و حرفه ای؛

10. حساس بودن در قبال مشکلات و نیازهای گروههای هدف؛

11. شناخت قوانین، بخشنامه های موجود در زمینه گروههای هدف؛

12. شناخت برنامه های ارائه شده در کشورهای دیگر درباره گروههای هدف برای استفاده از آنها در کشور مناسب با شرایط فرهنگی جامعه؛

13. فراهم کردن زمینه گروه‌های خودیاری از گروه‌های هدف مثل

گروه همیار زنان سرپرست خانوار یا گروه خودیاری معلولان یا

انجمن معتادان گمنام یا جمعیت آفتاب و ...

14. توجه به اصول اخلاقی در همه مراحل مددکاری

15. حساس کردن مسئولان به مسایل و نیازهای گروه‌های هدف از

راه‌های مختلف

خلاصه (جمع بندي)

1. مددکاري اجتماعي حرفه اي است مبتني بر دانش، اصول، مهارت و روشهايي که هدف از آن کمک به افراد، گروهها و جامعه است تا بتوانند با تکیه بر تواناييها و امکانات موجود، براي حل مشکلات و يا رفع نیاز خود اقدام کنند و به استقلال نسبي و رضایت خاطر فردي دست يابند.

2. رفاه اجتماعي مجموعه شرايط و کيفيتهايي است که نیاز هاي فردي (جسمي، رواني) و اجتماعي آحاد جامعه را در حد قابل قبول تامين مي کند و همه مردم از زندگي در آن شرايط احساس امنيت زيستي، رواني، اجتماعي، اقتصادي و سياسي دارند.

3. تامين اجتماعي يکي از قلمروهاي رفاه اجتماعي است و آن عبارت است از مجموعه برنامه هايي که طبق مقررات دولتي و عمدتاً از طريق خدمات بيمه اي از افراد در برابر کاهش درآمد محافظت مي کند و به آنها در مورد برخي از هزينه هاي خاص و بروز بحرانهاي اقتصادي امنيت خاطر مي بخشد.

4. خدمات اجتماعی یکی از قلمروهای رفاه اجتماعی است که شامل فعالیتهایی مثل مراقبت از کودکان و زنان در خطر، سالمندان، معلولان، بیماران روانی، بی خانمانها، آسیب دیدگان اجتماعی، مهاجران و پناهندگان می شود.

5. برخی از ویژگیهای مددکاری اجتماعی عبارت است از: تمایل به انجام دادن کار خیر، در اختیار داشتن دانش تخصصی مددکاری اجتماعی، خودشناسی، پایبندی به اصول اخلاقی، صداقت، رازداری و محقق بودن

6. مراجع شامل کلیه افرادی است که بر اثر عوامل مختلف روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی و غیره قابلیتها و تواناییهایشان کم شده یا اختلالاتی در آنها به وجود آمده است، به گونه ای که امکان ادامه زندگی مستقل برای آنان فراهم نیست و نیاز به حمایت و مداخله فرد متخصص دارند یا نیازی دارند که رفع آن رضایت خاطرشان را فراهم می کند.

4. خدمات اجتماعی یکی از قلمروهای رفاه اجتماعی است که شامل فعالیتهایی مثل مراقبت از کودکان و زنان در خطر، سالمندان، معلولان، بیماران روانی، بی خانمانها، آسیب دیدگان اجتماعی، مهاجران و پناهندگان می شود.

5. برخی از ویژگیهای مددکاری اجتماعی عبارت است از: تمایل به انجام دادن کار خیر، در اختیار داشتن دانش تخصصی مددکاری اجتماعی، خودشناسی، پایبندی به اصول اخلاقی، صداقت، رازداری و محقق بودن

6. مراجع شامل کلیه افرادی است که بر اثر عوامل مختلف روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی و غیره قابلیتها و تواناییهایشان کم شده یا اختلالاتی در آنها به وجود آمده است، به گونه ای که امکان ادامه زندگی مستقل برای آنان فراهم نیست و نیاز به حمایت و مداخله فرد متخصص دارند یا نیازی دارند که رفع آن رضایت خاطرشان را فراهم می کند.

فصل سوم

مددکاري اجتماعي و ساير علوم

مددکاري اجتماعي و ساير علوم

ميان رشته ها و حرفه هايي که در حوزه علوم اجتماعي و انساني قرار دارند بدليل پرداختن به انسان بعنوان موضوع اصلي ارتباط وجود دارد. در اين ميان، ارتباط بعضي رشته ها با بقيه قوي تر است. از جمله اين حرفه ها و رشته ها مددکاري اجتماعي است. همان گونه که در فصل اول آمده، مددکاري اجتماعي حرفه اي است که ارتباط آن با بعضي از دانشها از جمله روانشناسي، جامعه شناسي و انسان شناسي در خور توجه است. شناخت زمينه هاي اين ارتباط و استفاده از اطلاعات اين رشته ها به افزايش شناخت مددکار اجتماعي تاثير بسزايي دارد؛ ضمن اينکه مددکار در کمک به مراجعان مي تواند از متخصصان اين رشته ها نيز کمک بگيرد.

در این فصل برآنیم تا ارتباط مددکاری اجتماعی را با انسان شناسی، جامعه شناسی، جمعیت شناسی، روانشناسی، مشاوره و راهنمایی، روانشناسی اجتماعی، حقوق و سایر علوم بشناسانیم. البته، قصد ما بیشتر آن است که زمینه های مشترک مددکاری و علوم دیگر را مطرح کنیم و به هیچ رویه نمی گوئیم که مددکار اجتماعی باید از این علوم همین قدر اطلاع داشته باشد که متخصصان آن رشته ها دارند، بلکه حتی شناخت زمینه های همکاری نیز برای مددکاران اجتماعی در بسیاری مواقع کفایت می کند.

مددکاری اجتماعی و انسان‌شناسی

انسان‌شناسی (آنتروپولوژی) یکی از علوم است که مددکاری اجتماعی با آن ارتباط دارد.

آلن بیرو درباره ریشه‌ها و اثره آنتروپولوژی می‌نویسد:

((از ریشه‌های یونانی به معنای ((گفتار)) و ((انسان)) گرفته شده است. با توجه به ریشه‌ها و اثره، انسان‌شناسی را باید دانشی دانست که انسان یا انسانیت را به‌طور کلی مورد مطالعه قرار می‌دهد.))

در کتاب زمینه انسان‌شناسی نیز چنین آمده است: ((انسان‌شناسی علمی است که موضوعش مطالعه و شناخت علمی انسان است، انسانی که بر دریاها، بی‌آرام، رودهای پر قدرت، نور آفتاب و ستارگان دیده حیرت‌می‌گشاید، قافل از اینکه خود عجیب‌ترین راز هستی را در بر دارد. حیرت‌انگیزه بودن او در قدرت بازوان یا زیبایی قامتش نیست، بلکه در نیروی آفرینندگی اش نهفته است.))

دنیل بیتس و فرد پلاگ نیز هدف این علم را چنین بیان کرده اند: ((
هدف انسان شناسی توصیف و تبیین يك پدیده طبیعی خاص است که
همان انسان هوشمند یا نوع بشر است. بیشتر آنچه را که انسان
شناسان در پژوهش های نوع بشر مورد بررسی قرار می دهند به
فرهنگ مربوط است)).

پس می توان گفت که موضوع اصلی دانش انسان شناسی انسان
است؛ انسانی که در مطالعه ارزش ها، عقاید و باورها آداب
اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، دین و نحوه زندگی و رفتارش در این
دانش جایگاه ویژه ای دارد.

در مورد چگونگی ارتباط مددکاری اجتماعی با انسان شناسی باید گفت
که:

1. موضوع مطالعه هر دو انسان است، اما در مددکاری اجتماعی انسان به عنوان فردی که نیاز یا مشکلی دارد مطرح است که برای رفع نیازش یا حل مشکلش احتیاج به کمک دارد، در حالی که در انسان شناسی انسان به عنوان موجودی اجتماعی صرف نظر از اینکه مشکل یا نیازی داشته باشد مطرح است چون قصد انسان شناسان فقط مطالعه رفتار انسان است.

2. مطالعه و شناخت باورهای اجتماعی مردم، که در انسان شناسی مهم است، در مددکاری اجتماعی نیز از این نظر مهم و اساسی است که این شناخت در ایجاد رابطه و پذیرش مناسب نقش موثری دارد.

3. شناخت آداب اجتماعی مردم نیز در مددکاری اجتماعی مثل انسان شناسی مهم است؛ چون اطلاع از رفتارهایی که مردم بر طبق عرف و عادت از خود بروز می دهند موجب می شود که مددکار در شناخت مشکل یا تدوین برنامه کمکی و دیگر اقدامات از این شناخت خود استفاده کند.

4. ارزشهای اجتماعی حاکم در جامعه تعیین کننده بسیاری از رفتارهای انسان است. شناخت این ارزشها در مددکاری اجتماعی ضروری است تا با احترام به آنها زمینه ایجاد رابطه حرفه ای و احترام به مراجعه را فراهم آورد؛ زیرا:

((ارزشهای اجتماعی را مدلهای کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی قرار گرفته اند، تشکیل می دهند)).

مددکار اجتماعی نمی تواند به این ارزشها بی اعتنا باشد یا رفتاری مقایر آن داشته باشد؛ چون در ایجاد رابطه حرفه ای تاثیر منفی خواهد گذاشت و مشارکت و همکاری مراجعه را در پی نخواهد داشت؛ به خصوص هنگامی که مددکار اجتماعی به قصد انجام دادن کار جامعه ای به تحقیق و مطالعه در محل یا روستایی نیاز داشته باشد، بی احترامی یا بی توجهی به این ارزشهای اجتماعی مانع همکاری مردم و یا پذیرش او می شود.

5. آشنایی با زبان گروههای هدف در مددکاری اجتماعی بسیار مهم است؛ چون در انتقال مفاهیم و درک متقابل تاثیر زیادی دارد.

6. شناخت دین و مذهب و اعتقادات دینی و مذهبی گروه‌های هدف در مددکاری اجتماعی، در احترام و جلب مشارکت آنان و ایجاد رابطه حرفه‌ای تاثیر به‌سزایی دارد که در انسان‌شناسی نیز به‌طور جدی به این موضوع پرداخته می‌شود.

7. در انسان‌شناسی اجتماعی که یکی از شاخه‌های مردم‌نگاری در شاخه انسان‌شناسی فرهنگی است، بخشی از فرهنگ و نه فرهنگ به‌عنوان کل مطالعه می‌شود.

تحقیقات این رشته بیشتر در زمینه ساخت اجتماعی و رفتار اجتماعی متمرکز است. در واقع، می‌توان گفت: ((روابط انسان با انسان را مطالعه می‌کند)). در مددکاری اجتماعی نیز مطالعه نحوه روابط مراجعه‌با اعضای خانواده یا جامعه محلی خود و دیگران بسیار مهم است؛ چون مشکلات به‌چگونگی ارتباط افراد با یکدیگر بستگی دارد.

8. استفاده از روش تك نگاري در انسانشناسي مرسوم است. در كتاب در آمدی بر انسانشناسي مي خوانيم: ((پذيرش شيوه تك نگاري به ويژه از زماني تقويت شد كه انستيتوي سلطنتي انسان شناسي در نوشته اي با عنوان ((يادداشتها و تحقيق در انسانشناسي)) الكويي عرضه كرد كه بنا بر آن در يك طرح پژوهشي مجموعه نهادها و ويژگيهاي فرهنگي يك جامعه شامل محيط طبيعي، زبان، مسكن، اقتصاد، سازمان اجتماعي، سازمان سياسي، قوانين دين تغييرات اجتماعي به صورت منظم پوشش داده شود)).

اين روش در مددكاري اجتماعي نيز بسيار معمول است. تهيه مونوگرافي از يك روستا يا منطقه، در كار جامعه اي امري معمول است و در مددكاري كار با فرد يا گروه نيز در اختيار داشتن اطلاعاتي كه از اين طريق بدست مي آيد در شناخت فرهنگ گروههاي هدف تاثير زيادي دارد.

این روش در مددکاری اجتماعی نیز بسیار معمول است. تهیه مونوگرافی از یک روستا یا منطقه، در کار جامعه‌ای امری معمول است و در مددکاری کار با فرد یا گروه نیز در اختیار داشتن اطلاعاتی که از این طریق بدست می‌آید در شناخت فرهنگ گروه‌های هدف تاثیر زیادی دارد.

9. استفاده از روش مشاهده مشارکتی یکی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در انسان‌شناسی است که در مددکاری اجتماعی نیز معمول است.

10. استفاده از مردم‌نگاری و مردن‌شناسی، که از زیر شاخه‌های انسان‌شناسی فرهنگی هستند، نیز در مددکاری معمول است.

11. در کتاب زمینه انسان شناسی چنین آمده است:

((مردم نگاری صرفاً جنبه توصیفی داشته و فقط اطلاعاتی را، به گونه عکس برداری از فرهنگ‌ها بدون هر نوع تفسیری ارائه میکند. مردم شناسی اطلاعات بدست آمده را طبقه بندی می کند و از دیدگاه انسان شناسی که مبتنی بر جریان تکامل انسان و رفتار انسانی است، به عنوان فرضیه ارائه می دهد و به تحلیل داده ها می پردازد تا صحت و سقم فرضیه را که بیانگر روابط و کارکرد عوامل مختلف آن فرهنگ ویژه است، بدست دهد)).

11. در کتاب زمینه انسان شناسی چنین آمده است:

((مردم نگاری صرفاً جنبه توصیفی داشته و فقط اطلاعاتی را، به گونه عکس برداری از فرهنگ ها بدون هر نوع تفسیری ارائه میکند. مردم شناسی اطلاعات بدست آمده را طبقه بندی می کند و از دیدگاه انسان شناسی که مبتنی بر جریان تکامل انسان و رفتار انسانی است، به عنوان فرضیه ارائه می دهد و به تحلیل داده ها می پردازد تا صحت و سقم فرضیه را که بیانگر روابط و کارکرد عوامل مختلف آن فرهنگ ویژه است، بدست دهد)).

برای نمونه به شرح فعالیت موسسه ای غیر دولتی در هند می پردازیم:

در شهر بمبئی شمار کودکان خیابانی زیاد است و موسسات مختلفی برای عرضه خدمات به آنها فعالیت دارند که بیشتر آنها غیر دولتی هستند. یکی از این موسسات ((سرپناه دن بسکو)) است.

((سرپناه دن بسکو در بمبئی یا سازمان غیر دولتی وابسته به گروه دن بسکوست که در کشورهای مختلف جهان فعال است. این سرپناه از یکی از آسیب پذیرترین گروه کودکان یعنی کودکان خیابانی که از خانواده، خانه و هر گونه سرپناهی محرومند حمایت می کند. هدف اصلی این سرپناه فراهم کردن نوعی خانواده برای کودکانی است که از این نعمات محروم مانده اند)).

یکی از فعالیتهای این سرپناه پژوهش در زمینه شناخت مشکلات و نیازهای واقعی و اساسی این کودکان است تا بتوانند خدمات مناسبی به آنان عرضه کنند. به همین منظور، در این موسسه واحد پژوهش راه اندازی شده است و پژوهشگران با این افراد بی سرپناه ارتباط مستمر دارند و روزها و شبها با آنان در سرپناه زندگی می کنند تا به این شناخت برسند.

به طور کلی، می توان گفت که مددکار اجتماعی می تواند از یافته های انسانشناسی بهره گیرد؛ ضمن اینکه در موضوعات و زمینه های کار نیز این دو رشته اشتراک دارند.

مددکاري اجتماعي و جامعه شناسي

جامعه شناسي يکي از علوم است که ارتباط زيادي با مددکاري اجتماعي دارد و به همين دليل است که در مقطع کارشناسي در دانشگاه، قسمت عمده دروس رشته مددکاري اجتماعي، درسهائي مربوط به جامعه شناسي اند. در اينجا، ابتدا چند تعريف از جامعه شناسي ارائه مي شود و سپس زمينه هاي ارتباط مددکاري و جامعه شناسي را ذکر مي کنيم.

هر جامعه شناسي با توجه به مکتبي که پذيرفته و در آن رشد کرده تعريفی از جامعه شناسي ارائه کرده است.

اگوست کنت جامعه شناسي را علم تجزيه و تحليل مظاهر حيات اجتماعي مي داند و در جايي ديگر از آن به عنوان ((علم فهم)) ياد مي کند: ((به عقیده اگوست کنت، جامعه شناسي علم فهم است. انسان تنها در صورتي مي تواند ذهن بشري را بشناسد که فعاليت و آثار آن را در خلال تاريخ و در جامعه مشاهده کند و ... اين علم حقيقي فهم، همان است که ما امروز جامعه شناسي شناخت مي ناميم...))

جامعه شناسي همچنين از آن رو علم فهم است که شیوه اندیشیدن و فعالیت ذهن در هر لحظه به شرایط اجتماعي بستگی دارد)).

ابن خلدون جامعه شناسي را علم عمران بشري مي داند: ((عبارت از آنچه که در اجتماع بشر روي مي دهد مانند عادات و رسوم اجتماع در کشور و پیشه ها و دانشها و هنرها مي باشد)).

ماکس وبر جامعه شناسي را علمي مي داند که قصد دارد با تشریح مفاهيم ذاتي رفتار اجتماعي به شناخت آن برسد و موفق به تبیین علمي آن شود.

در کتاب درآمدي بر دائره المعارف علوم اجتماعي نیز در تعریف جامعه شناسي چنین آمده است ((دانشي در خانواده علم انسان که هدف از آن شناخت علمي ابعاد اجتماعي پدیده هاي حیات است)).

ژرژ گورویچ نیز معتقد است: ((جامعه شناسی علمی است که پدیده های کامل و کلی را در همه سطوح و با در نظر گرفتن تحولات آن، گروه بندیهای کوچک و جامعه های بزرگ را در نظر گرفتن تحولات آن، گروه بندیهای کوچک و جامعه های بزرگ را از نظر تکوینی و انهدام آنها مطالعه می کند)).

آلن بیرو در کتاب فرهنگ علوم اجتماعی خود در تعریف جامعه شناسی می گوید: ((جامعه شناسی یک دانش مشاهده ای است که به طور دقیق مجموع پدیده ها، ساختها، نهادها، گروهها، قدرتها، ارتباط بین نیروها، روابط، کردار و رفتاری را که با زندگی انسان در جامعه پدیدار می شود به مطالعه می نهد)).

دکتر تنهایی نیز در تعریف جامعه شناسی چنین می نویسد: ((عبارت از آن رشته از معرفت بشری است که با روش علمی، اعیان با موضوعات جامعه شناسی را مورد مطالعه قرار می دهد)).

پس از تعاریف ارائه شده به چگونگی ارتباط مددکاری اجتماعی با جامعه‌شناسی اشاره می‌شود. توضیح این نکته ضروری است که چون بین جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی نیز ارتباط وجود دارد و بعضی از مسائل در قسمت رابطه مددکاری با انسان‌شناسی توضیح داده شد در این قسمت به طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود.

1. موضوع دو علم انسان است.

2. مطالعه و شناخت زندگی مردم در هر دو رشته مهم است.

3. شناخت ارزشهای اجتماعی، باورها، اعتقادات، دین و آداب و رسوم و ... در جامعه‌شناسی و مددکاری جایگاه خاصی دارد.

4. مطالعه روابط متقابل میان افراد در هر دو علم مورد توجه است.

5. مطالعه و شناخت ساخت و کارکرد خانواده و نقش آن در اجتماعی کردن افراد و رفع نیازها و مشکلات در هر دو علم مد نظر است.

رفتارها و یافته‌ها و روابط در هر دو علم تحلیل می‌6.
شود؛ بنابراین، استفاده از نظریات جامعه‌شناسی در تحلیل برای
مددکاران اجتماعی کاربرد فراوان دارد

7. بررسی متغیرهایی چون ازدواج، طلاق، مهاجرت و نظایر آنها در
هر دو علم جایگاه خاصی دارد

8. شناخت آسیب‌های اجتماعی، عوامل موثر در بروز آنها و چگونگی
کاهش و کنترل آنها در هر دو علم مهم است

9. استفاده از روش‌های علمی در یافتن اطلاعات از دیگر وجوه اشتراك
مددکاری و جامعه‌شناسی است و مددکاری می‌تواند از یافته‌های
پژوهشی جامعه‌شناسان استفاده مناسب کند

10. استفاده از مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه، اسناد و مدارك و نظایر آنها
در هر دو علم وجود دارد

استفاده از یافته های جامعه شناسی روستایی در کار با روستاییان یا 11.
کار در روستا برای مددکاران اجتماعی کاربرد بسیاری دارد.

مددکار اجتماعی از اطلاعات شاخه های مختلف جامعه شناسی در 12.
کار با گروه های هدف می تواند بهره گیرد. برخی از این شاخه

شناسی در کار با گروه های هدف می تواند بهره گیرد. برخی از این
شاخه ها عبارتند از: جامعه شناسی آموزش و پرورش، کار و

شغل، پزشکی، حقوق، خانواده، اوقات

فراتر، روستایی، شهری، ورزش و انحرافات

مددکاري اجتماعي و روانشناسي •

روانشناسي يکي از رشته هاي است که با مددکاري اجتماعي ارتباط زيادي دارد. برخي روانشناسي را مطالعه منظم، هدف همه جانبه و علم پديده هاي رواني مي دانند. برخي نيز آن را مطالعه رفتار مي دانند و نتيجه مي گيرند که مطالعه فعاليتهايي که از انسان سر ميزند موضوع اصلي روانشناسي مي توان گفت:

1. مددکار اجتماعي که با کودک سروکار دارد نياز به اطلاعاتي در خصوص روانشناسي کودک دارد.

2. مددکاري که با نوجوان و جوان کار مي کند نياز به اطلاعات روانشناسي نوجواني و جواني دارد.

3. در کار با زنان، استفاده از اطلاعات روانشناسي زن براي مددکاران اجتماعي ضروري است.

4. شناخت روانشناسي سالمندي يا پيري نيز براي مددکاران مهم است.

5. شناخت روانشناسي بلوغ براي مددکاران اجتماعي که با نوجوانان و جوانان سروکار دارند بسيار مفيد است.

6. شناخت بيماريهاي رواني و اختلالات رفتاري براي مددکاران اجتماعي کارساز است (شناخت روانشناسي مرضي)

7. مددکار اجتماعي براي عرضه خدمات به معلولان ذهني و طبق بندي آنان به روانشناسان نياز دارد.

8. براي شناخت تيب شخصيتي مراجعان مددکار اجتماعي به اطلاعات روانشناسان نياز مبرم دارد.

9. براي مددکاران شاغل در صنايع و محيطهاي کارگري شناخت روانشناسي کار يا روانشناسي صنعتي مهم است.

10. در روان درمانی، معنا درمانی، خانواده درمانی، روانشناسان کمک موثری برای مددکاران خواهند بود.

11. برای عرضه خدمات به افرادی که اقدام به خودکشی کرده اند، استفاده از خدمات روانشناسی برای مددکاران بسیار ضروری است.

12. برای ایجاد آرامش در مراجعان دچار استرس، روانشناسان با اجرای مهارتهای ایجاد آرامش کمک بزرگی به مددکاران اجتماعی می کنند.

13. در درمان معتادان، خدمات روانشناسی بسیار موثر خواهد بود.

14. مددکار اجتماعی برای بررسی خصوصیات روانی گروههای هدف

10. در روان درمانی، معنا درمانی، خانواده درمانی، روانشناسان کمک موثری برای مددکاران خواهند بود.

11. برای عرضه خدمات به افرادی که اقدام به خودکشی کرده اند، استفاده از خدمات روانشناسی برای مددکاران بسیار ضروری است.

12. برای ایجاد آرامش در مراجعان دچار استرس، روانشناسان با اجرای مهارتهای ایجاد آرامش کمک بزرگی به مددکاران اجتماعی می کنند.

13. در درمان معتادان، خدمات روانشناسی بسیار موثر خواهد بود.

14. مددکار اجتماعی برای بررسی خصوصیات روانی گروههای هدف

مددکاری اجتماعی و جمعیت‌شناسی

یکی دیگر از علومی که مددکاری اجتماعی از یافته‌های آن استفاده می‌کند جمعیت‌شناسی است. پس از ذکر چند تعریف از جمعیت‌شناسی به زمینه‌های خاص آن که مددکاران اجتماعی به آنها نیاز دارند اشاره می‌کنیم.

تعریف نخستین: ((جمعیت‌شناسی عبارت است از مطالعه علمی و توصیف و تحلیل آماری ساخت و حرکات جمعیت‌های انسانی، بررسی سیاست‌های جمعیتی و روابط متقابلی که میان پدیده‌های جمعیتی و عوامل اقتصادی-اجتماعی و زیستی وجود دارد. به نظر بعضی از جمعیت‌شناسان، جمعیت‌شناسی نوعی حسابداری دقیق انسانها و وقایع تولد، ازدواج، طلاق و مرگ آنهاست.))

تعریف دوم: فرهنگ چند زبانی جمعیت شناسی از انتشارات سازمان ملل، جمعیت شناسی را چنین تعریف کرده است: ((مطالعه علمی جمعیت‌های انسانی است، ترجیحاً با توجه به حجم، ساخت و رشد آنان)).

تعریف سوم: گیلارد در سال 1855 نخستین بار واژه جمعیت شناسی را به کار برد و آن را چنین تعریف کرد: ((تاریخ طبیعی و اجتماعی نوعی بشر و یا به معنای محدودتر، مطالعه ریاضی جمعیت‌ها، حرکتهای عمومی آنها و مطالعه اوضاع و احوال جسمانی، مدنی، ذهنی و اخلاقی آنها)).

تعریف چهارم: ((جمعیت شناسی علمی است که موضوع آن مطالعه جمعیت انسانی است. این علم ابعاد، ساخت، تحول و صفات عمومی جمعیت انسانی را از نظر کمی مورد بررسی قرار می‌دهد)).

تعریف دوم: فرهنگ چند زبانی جمعیت شناسی از انتشارات سازمان ملل، جمعیت شناسی را چنین تعریف کرده است: ((مطالعه علمی جمعیت‌های انسانی است، ترجیحاً با توجه به حجم، ساخت و رشد آنان)).

تعریف سوم: گیلارد در سال 1855 نخستین بار واژه جمعیت شناسی را به کار برد و آن را چنین تعریف کرد: ((تاریخ طبیعی و اجتماعی نوعی بشر و یا به معنای محدودتر، مطالعه ریاضی جمعیت‌ها، حرکتهای عمومی آنها و مطالعه اوضاع و احوال جسمانی، مدنی، ذهنی و اخلاقی آنها)).

تعریف چهارم: ((جمعیت شناسی علمی است که موضوع آن مطالعه جمعیت انسانی است. این علم ابعاد، ساخت، تحول و صفات عمومی جمعیت انسانی را از نظر کمی مورد بررسی قرار می‌دهد)).

2. توصیف کامل گذشته جمعیت در يك منطقه و توزیع آن در بخشهاي مختلف؛

3. پژوهش در روندهاي جمعیت و روابط آن با جنبه هاي مختلف سازمان اجتماعي يك منطقه؛

4. آینده نگري جمعیت و پیامدهاي اجتماعي آن

با این توضیحات، می توان گفت که مددکاران اجتماعي در موارد زیر به اطلاعات جمعیت شناسي و متخصصان این علم نیاز مبرم دارد:

یکی از اطلاعات مورد نیاز مددکاران اجتماعي ویژگیهاي جمعیت شناختي از نظر سن، جنس و ... است تا به آمار گروه هدف خود نیز دسترسي داشته باشند و بر اساس آن بتوانند برنامه ريزي کنند.

برای مددکار اجتماعی که در یک مرکز حمایت از خانواده (مجتمع حمایتی) با زنان سرپرست خانوار کار می‌کند، در اختیار داشتن آمار کلی زنان سرپرست خانوار، ترکیب سنی، تحصیلی و شغلی آنان و اطلاعاتی از این دست مفید است؛ همچنین مددکار اجتماعی که با معلولان کار می‌کند از آمار جمعیتی معلولان منطقه یا شهر یا استان محل کار بهره‌فرآوان می‌برد و برای مددکار اجتماعی نیز که در مرکز مشاوره یا مرکز مداخله در بحران فردی، خانوادگی و اجتماعی (اورژانس اجتماعی) مشغول فعالیت است، در اختیار داشتن آمار ازدواج و طلاق هم در کار با فرد و هم در کار با جامعه (مددکاری جامعه‌ای) مفید واقع می‌شود؛ ضمن اینکه اطلاع از روند تغییرات ازدواج و طلاق برای او بسیار ضروری است.

جدول 3-1 آمار ازدواج و طلاق ایران را از سال 1376

لغایت 1380 نشان می دهد. جدول 3-1

سال	تعداد ازدواج	درصد تغییرات ازدواج نسبت به سال قبل	تعداد طلاق	درصد تغییرات طلاق نسبت به سال قبل	نسبت طلاق به ازدواج
1376	511401	+7/6	41816	+6/10	18/8
1377	531490	+9/3	42391	+4/1	98/7
1378	611519	+15	50179	+4/18	21/8
1379	646498	+7/5	53797	+2/7	3/8
1380	641417	-8/0	60241	+12	4/9

جدول 3-2

سال	جمعیت 65 سال و بیشتر	درصد به کل جمعیت
1384	3208540	8/4
1389	3379430	7/4
1394	3778878	8/4
1399	4656197	6/6
1404	5966110	7

آمار سالهاي امید به زندگی به تفکیک جنس در کشور به 1.

شرح زیر است:

سال	مرد و زن	مرد	زن
1380	70	5/68	5/71
1385	5/71	70	73
1390	5/72	71	74
1395	5/73	72	75
1400	5/74	73	76
1404	5/74	73	76

مددکاری اجتماعی و مشاوره و راهنمایی

یکی دیگر از رشته‌هایی که با مددکاری اجتماعی ارتباط دارد مشاوره و راهنمایی است که یکی از شاخه‌های روانشناسی می‌باشد.

((راهنمایی که معنی لغوی آن هدایت و ارشاد و ارائه کردن است مفهوم گسترده‌ای دارد... راهنمایی بصیرت فرد را در زمینه‌ای افزایش می‌دهد و موجب شناخت فرد و نیل به درجات بالاتری از کمال و معرفت می‌گردد)).

در تعریف دیگری از راهنمایی چنین آمده است: ((راهنمایی عبارت است از جریان یاری کردن فرد تا خویشتن و جهان خارج را بشناسد)).

دکتر شفیع آبادی در این زمینه چنین آورده است: ((به طور کلی می‌توان گفت که راهنمایی جریان بررسی و همه‌جانبه فرد با استفاده از ابزار و فنون گوناگون است که نهایتاً فرد را یاری می‌دهد تا توانایی‌ها و محدودیت‌هایش را بشناسد و بر اساس چنین شناختی تصمیمات مناسب و منطقی را برای تامین نیازهای فردی و اجتماعی اتخاذ کند و به کمال و خود-رهبری برسد. راهنمایی فعالیتی جمعی است و برای احراز موفقیت در آن، همکاری والدین، مددکار اجتماعی، پزشک، روانپزشک و سایرین ضرورت تام دارد)).

حال به موضوع ((مشاوره)) مي پردازيم

پترسون مشاوره را چنین توصیف می کند: ((جریان یاری دهنده ای است که به ارتباط خاص بین دو نفر نیاز دارد. یکی از این دو نفر، یعنی مراجع، معمولاً با مشکل روانی و عاطفی مواجه است و دیگری، یعنی مشاور که در حل مشکلات روانی مهارت دارد، از طریق ایجاد ارتباط خاص مشاوره ای به مراجع کمک می کند تا راه حلی برای مشکلش بیابد. ... پند و اندرز دادن، تلقین افکار و عقاید به دیگران را هیچ گاه نمی توان مشاوره دانست. رابطه حسنه بین مراجع و مشاوره دارای اثرات روان درمانی مهمی است، بطوری که اگر مشاور نتواند چنین رابطه مطلوبی را ایجاد کند، مشکل مراجع در حد مطلوب و مقبولی حل نخواهد شد.))

در جلد اول کتاب روانشناسی عمومی هیلگارد در قسمت روشهای روانشناسی، اتکینسون مشاوره را در کنار روانشناسی بالینی ذکر کرده است: ((در کشور آمریکا بیشترین شمار روانشناسان را روانشناسان بالینی تشکیل می دهند. این متخصصان سروکارشان با کاربرد اصول روانشناختی در امر تشخیص و درمان مشکلات هیجانی و رفتاری از قبیل بیماری روانی، اعتیاد دارویی، تعارض های زناشویی و خانوادگی است. ... روانشناسان مشاوره وظایفی مشابه روانشناسان بالینی دارند، هر چند معمولاً سروکارشان با مشکلات خفیف تر است ...)).

با توجه به توضیحات فوق می توان گفت که مددکار اجتماعی در بسیاری از مواقع برای کمک به مراجعان خود نیاز به متخصص مشاوره و راهنمایی دارد و شناخت توانمندی های این رشته می تواند به مددکاران اجتماعی کمک کند تا در اوضاع خاص و به هنگام نیاز مراجعان از همکاری مشاوران استفاده کنند. در مشاوره و راهنمایی نیز همچون مددکاری اجتماعی این موارد وجود دارد:

-احترام به مراجع و شخصیت او؛

-سمت گیری به جانب همکاری و نه اجبار؛

-افزایش مهارت‌های افراد در جهت کمک گرفتن؛

-توجه به فرد مراجع و خانواده؛

-بهره‌گیری از متخصصان سایر رشته‌ها و حرفه‌ها؛

-بهره‌گیری از منابع موجود در جامعه؛

-مهم بودن مشارکت مراجعه در فرایند کار؛
-کمک به شناخت توانایی ها و استعدادهاي مراجع؛
-استفاده از فنون مشاهده،خوب گوش کردن،مصاحبه،پرسشنامه و ...
براي جمع آوري اطلاعات.

((مشاور براي موفقیت در حرفه مشاوره بايد فنون گوناگون مشاوره در
زمينه آغاز و ادامه و پايان دادن به جلسه مشاوره را بياموزد.فنون
گوش دادن،انعكاس،سازمان دادن،رهبري،تشويق،شکستن
سکوت،مواجهه با مقاومت،و پايان دادن به جلسه مشاوره از فنون
مشاوره هستند)).

با اين توضیحات مي توان گفت که مددکار اجتماعي براي مشاوره
شغلي،تحصيلي،ازدواج،مشاوره خانواده و ... مي تواند از
کارشناسان راهنمائي و مشاوره نیز براي کمک به مراجعان خود
متناسب با مشکلات يا نیازهايشان کمک بگيرد.

مددکاری اجتماعی و روانشناسی اجتماعی

روانشناسی اجتماعی یکی از دانش‌هایی است که با مددکاری اجتماعی ارتباط زیادی دارد. برای روانشناسی اجتماعی تعاریف زیادی ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

اتوکلین برگ در کتاب معروف خود به نام روانشناسی اجتماعی این علم را چنین تعریف کرده است: ((روانشناسی اجتماعی می‌تواند به عنوان یک علم به مطالعه فعالیت‌های فرد، جدا از تاثیر افراد دیگر
بپردازد ...))

وي ضمن مشخص كردن روانشناسي اجتماعي مي افزايد: ((اين))
ديگران)) مي توانند يا بطور مستقيم، صرفا با حضور خود در
پيرامون فرد و از نزديك يا به صورت غير مستقيم و از طريق شيوه
هاي رفتاري كه متد اول است، فرد را حتي در خلوت متاثر سازند.
در اين جا، ديدگاه روانشناسي اجتماعي گسترش مي يابد، زيرا اين
تنها ديگران نيستند كه به فرد تاثير دارند، بلكه جامعه نيز بطور
كامل، با كنش هاش بر فرد تاثير مي گذارد و از طريق الگوهاي
جمعي، هنجارها و ارزشهاي اجتماعي، به رفتار فرد شكل مي
دهد...)).

در تعریف الیوت ارونسون از روانشناسی اجتماعی آمده است ((تعریف ما از روانشناسی اجتماعی عبارت است از نفوذی که مردم بر عقاید و رفتار یکدیگر دارند تعریف دیگر روانشناسی اجتماعی را آلپورت ارائه کرده است: ((روانشناسی اجتماعی درباره روابط واقعی افراد، تخیلات و نیز رقابتهای فردی، از فرد در يك بافت اجتماعی که فرد در آن دخالت دارد می پردازد)).

در واقع، این تعریف نه به فرد توجه خاص دارد و نه به جامعه بلکه به هر دو توجه دارد. این تعریف بدون هیچ گونه مشکلی در سطح روابط افراد با یکدیگر باقی می ماند. این روابط در حوزه خاص روانشناسی اجتماعی قرار دارد و از این رو روانشناسی اجتماعی را از روانشناسی، که پایه و محور آن فرد است، جدا می سازد و با جامعه شناسی هم که به بافت این روابط، یعنی چهارچوب اجتماعی و نهادی آن توجه دارد، متفاوت است.

در فرهنگ علوم اجتماعي نیز این علم چنین تعریف شده است: ((روانشناسي اجتماعي، مطالعه روانشناسي افراد انساني است، از این جهت که در ارتباط با دیگرانند خواه بر آن اثر نهند، خواه تحت تاثیر آنان قرار گیرند)).

با توجه به تعاریف ارائه شده و زمینه ها و قلمرو این علم می توان گفت که مددکاري اجتماعي در این موارد به اطلاعات و یافته هاي این علم و متخصصان آن نیاز دارد:

1. برای رعایت اصل فردیت و توجه به تفاوتهاي افراد با یکدیگر صرف نظر از مشکلات و ویژگیهاي مشترکشان؛
2. برای بررسی چگونگی اجتماعي شدن افراد و مراجعان؛

3. برای کار با آسیب دیدگان اجتماعی و بزهکاران و بررسی عوامل موثر در گرایش افراد به بزهکاری؛

4. برای بررسی و شناخت روابط و کنش متقابل اجتماعی بین افراد و مراجعان و گروهها؛

5. برای شناخت مسایل روانشناسی جمعی از قبیل انبوه خلق و توده ها؛

6. در خصوص تاثیر الگوها بر افراد و مراجعان (الگو پذیری)؛

7. در خصوص تاثیر همرنگی مراجعان با جماعت یعنی:

((تغییر رفتار یا عقاید شخص در نتیجه اعمال فشار داخلی یا خیالی از طرف فرد دیگر یا گروهی از مردم))؛

8. در خصوص تاثیر پاداش و تنبیه بر رفتار اجتماعی مراجعان

3. برای کار با آسیب دیدگان اجتماعی و بزهکاران و بررسی عوامل موثر در گرایش افراد به بزهکاری؛
4. برای بررسی و شناخت روابط و کنش متقابل اجتماعی بین افراد و مراجعان و گروهها؛
5. برای شناخت مسایل روانشناسی جمعی از قبیل انبوه خلق و توده ها؛
6. در خصوص تاثیر الگوها بر افراد و مراجعان (الگو پذیری)؛
7. در خصوص تاثیر همرنگی مراجعان با جماعت یعنی:
((تغییر رفتار یا عقاید شخص در نتیجه اعمال فشار داخلی یا خیالی از طرف فرد دیگر یا گروهی از مردم))؛
8. در خصوص تاثیر پاداش و تنبیه بر رفتار اجتماعی مراجعان

مددکاری اجتماعی که با گروه‌های منفی مثل رپ یا بزه‌کاران سرو کار دارد. برای شناخت عوامل تاثیر گذار بر گرایش فرد به این گروه‌ها باید به ارزشها و نگرشهای فرد توجه کند.

10. برای تشکیل گروه‌ها و یا کار جامعه‌ای.

در بسیاری از زمینه‌های دیگر نیز مددکاری اجتماعی با روانشناسی اجتماعی ارتباط دارد و از آن می‌تواند بهره‌گیری؛ ضمن اینکه نظریاتی که در این علم در تحلیل مسائل و رفتار مراجعان کاربرد دارند در مددکاری نیز می‌تواند کاربرد داشته باشد؛ از جمله: نظریات یادگیری، نظریه برچسب، نظریه نقش، نظریه تقویت، نظریه گشتالت و

مددکاری اجتماعی و حقوق

مددکار اجتماعی هنگامی که در موسسه ای مشغول فعالیت هستند با مسایل حقوقی مختلف سرو کار دارند. ما در ابتدا، به تعریف حقوق و جرم شناسی می پردازیم و سپس به چگونگی ارتباط مددکاری با این دانش اشاره می کنیم.

از حقوق تعاریف متعددی ارائه شده است. ژان ره درباره حقوق مدنی فرانسه می گوید: ((هر نظام حقوقی بیش از هر چیز یک نظام فکری است)).

برخی دیگر نیز در تعریف حقوق آورده اند: ((بقا و قوام جامعه محتاج قواعدی است که مجموع آن را حقوق گویند)).

دیوی در این زمینه گفته است: ((حقوق، نظام ارزشهاست، ارزشهایی که آرمانی و ایده آل شده اند)).

هانري لوي برول معتقد است: ((حقوق يك امر اجتماعي است و بيش از مذهب و زبان و هنر، سرشت نهاني گروههاي اجتماعي را نشان مي دهد. قواعد قضايي يك کشور آئینه تمایلات و آرزوها و روابطي است که میان نیروهاي اجتماعي وجود دارد)).

يکي از مفاهيمي که در بحث حقوق بايد به آن پرداخته شود و با مددکاري اجتماعي نیز ارتباط دارد جرم شناسي است.

((جرم شناسي با بزه شناسي رشته اي است از علوم جنايي که درباره عوامل جرم زا و کيفيات و امور و مقتضيات و شرايط فردي و محيطي و اجتماعي موثر در بروز رفتار جنايي يا علل وقوع جرم و صور گوناگون بزه و جنبه هاي کمي و کيفي آن و از پيدايش حالت خطر ناک در انسان يا انسانهاي تبهکار و معماي تشکيل گروههاي جامعه ستيز در ميان جوامع انساني با روش عيني و علمي يا مشاهده و آزمون و مقايسه و استقراء کافي به بررسي و تحقيق مداوم مي پردازد تا مگر با استمداد و استفاضه از تمام تخصصهاي علمي، بر طرق پيشگيري مستقيم يا غير مستقيم از حدوث جرايم و روشهاي درمان و اصلاح و تربيت بزهکاران يا کساني که در اثر عوامل جرم زاي فردي (تن و روان) و محيط طبيعي و اجتماعي بدني را برگزيده اند و از خود روي برتافته و از انسانيت گريخته اند و پرورش دوباره و از نو سازگار ساختن آنان با جامعه و نظام اجتماعي دست يابد)).

برخي جرم شناسي را دانش مقدس مي دانند؛ زيرا در پي تحقق عدالت واقعي است.

((جرم شناسي از اين رو دانش مقدسي است كه مي كوشد تا راهي بيابد كه انسان ناكافي كه با خودش قهر کرده و از خویش گريخته و از جامعه رو برتافته و سر ناسازگاري در پيش گرفته است با خودش آشتي كند و راه مهر ورزیدن بياموزد، با جامعه نيز در صلح و صفا و يكرنگي به سر برد، گم گشتگان را به راه آورد، رقابت و جنگ و ستيز را به تعاون و محبت و داد تبديل كند، شقاوت را به سعادت، سقوط را به اعتلا، بدبي را به نيكي، زشتي را به زيبايي، نفرت را به محبت، خصومت را به دوستي، كفر را به ايمان و ناپاكي را به پاكي بدل سازد. خلاصه در نو سازي انسان و جامعه مي كوشد، بدون اينكه بخواهد از پيشرفت مادي او و رشد آن چشم بپوشد.

سعي دارد از او انساني برتر و والاتر براي زندگي بهتر و انساني تر همگان با معنويات و سطوح عالي اخلاقي بسازد)).

حال در اين قسمت، به قلمرو و همكاري مددكاري اجتماعي با حقوق اشاره مي كنيم.

ارتباط مددکاری اجتماعی و حقوق به معنای عام آن را می توان شامل این موارد دانست:

1. شناخت قانون اساسی کشور و بهره‌گیری از مفاد آن برای حمایت از گروه‌های هدف؛
2. استفاده از قوانین و مقررات مربوط به ازدواج و طلاق در حمایت از گروه‌های هدف مربوط از جمله موارد ذیل:
در نکاح و طلاق، احلال عقد نکاح، اولاد، ولایت قهری پدر و جد پدر، خانواده، الزام به انفاق و در هضانت و قیم؛
3. استفاده از قوانین و مقررات مدنی در حمایت از گروه‌های هدف در صورت لزوم؛
4. آشنایی با حقوق کودکان؛

5. آشنایی با حقوق و مقررات بین المللی و مفاد آنها و استفاده از آنها در جهت کمک به گروههای هدف از جمله: منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان، پیمان نامه حقوق جهانی معلولان، پیمان نامه حمایت از آوارگان و پناهندگان و پیمان نامه حقوق کودک؛

6. همکاری مددکار با مشاوران حقوقی در گروههای تخصصی؛

7. استفاده از وکلای در حمایت از گروههای هدف؛

8. استفاده از مجازات های جایگزین؛

9. آشنایی با قراردادهای بین المللی مرتبط با گروههای هدف در

مددکاری اجتماعی از جمله در زمینه: امداد، القای کار اجباری، خرید

و فروش زنان و کودکان و بیانیه سالامانکا در خصوص آموزش

معلولان.

علاوه بر موارد فوق باید گفت که این موضوعات نیز در هر دو دانش مهم است

1. تاکید بر حفظ حیثیت و شخصیت افراد؛

2. فراهم کردن زمینه بازگشت مجرمان و بزهکاران به جامعه و کسب
استقلال نسبی؛

3. شناخت عوامل زمینه ساز در بروز مشکلات؛

4. تبعیض قائل نشدن بین افراد؛

5. بررسی همه جانبه مجرمان و آسیب دیدگان اجتماعی و بزهکاران؛

توجه به پیگیری از وقوع جرم و آسیب های اجتماعی؛ 6.

بررسی کاربرد قوانین موجود بر پیشنهاد قوانین جدید و اصلاحات 7.

قوانین قدیم

آنچه بیان شد فقط بخش محدودی از حوزه ارتباط مددکاری با حقوق

بود

سایر علوم

برخی از علوم و دانش های دیگر که مددکار اجتماعی به تناسب گروه های هدف با آنها سرو کار دارد عبارتند از: روانپزشکی، پزشکی قانونی، پزشکی و علوم توانبخشی.

توضیح این نکته ضروری است که پرداختن به علمی که مددکاران اجتماعی برای حمایت از گروه های هدف با آنها سرو کار دارند، خود موضوع يك کتاب است که در این جا مجال پرداختن کامل به آنها نیست.

خلاصه (جمع بندي)

1. مددکاري اجتماعي بدليل بين رشته اي بودن با علوم مختلف از جمله روانشناسي، انشان شناسي، جامعه شناسي و جمعيت شناسي ارتباط دارد.
2. مددکاري با انسان شناسي در زمينه هاي مختلف از جمله شناخت باورهاي اجتماعي و ارزشهاي اجتماعي ارتباط دارد.
3. مطالعه روابط متقابل بين افراد، بررسي و شناخت آسيب هاي اجتماعي، استفاده از روشهاي مشاهده، مصاحبه و ... براي جمع آوري اطلاعات و ديگر اقدامات در مددکاري اجتماعي و جامعه شناسي صورت مي گيرد.
4. مددکار اجتماعي با استفاده از آمار جمعيت، ترتيب سني و جنسي، حرکات جمعيتي و ... مي تواند به برنامه ريزي و تحليل وضع موجود گروه هاي هدف اقدام کند.
5. در مشاوره و راهنمايي همچون مددکاري اجتماعي احترام به مراجع، توجه به فرد و خانواده و توجه به مشارکت مراجع مهم هستند.
6. روانشناسي اجتماعي در زمينه هايي چون رعايت اصل فرديت ، چگونگي اجتماعي شدن افراد، شناخت عوامل موثر در گرايش افراد به آسيبهاي اجتماعي با مددکاري ارتباط دارد.

یا تشکر
از صبر و حوصله شما

تهیه و تنظیم: سمیه
خیامی